



Spatial Measurement of Urban Poverty Areas (Case Study: Varamin City)

Hafez Mahdnejad¹, Keramatollah Ziari^{*2}, Ahmad Pourahmad³, Hossein Hataminejad⁴

¹ PhD in Geography and Urban Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

^{2,3,4} Professor, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract: Nowadays the cities of developing countries have become concentrated places of poverty and the spatial Focus of this focus is mostly on the periphery of cities. A series of factors including a Severe shortage of urban services and the lack of appropriate access to meet the dependent needs, residents' economic weakness and inability to respond to other than those of daily living has led to the accumulation of needs, especially the needs of leisure and lack of facilities in the Varamin City. Accordingly, the present study aims to measure the spatial distribution of poverty zones to spatially identify the dimensions of poverty to better manage and organize them. The method of the present research is analytical-quantitative and of applied type. The factor analysis model in the GIS environment has been used for spatial zoning of urban poverty in Varamin. The results of the research indicate that out of a total of 1366 blocks of Varamin city, 46 blocks equivalent to 3.4% are very rich, 264 blocks equivalent to 19.3% are rich, 466 blocks equivalent to 34.1% are average, 394 blocks equivalent to 28.8% are poor and 196 blocks equivalent to 14.3% are very poor. In addition, poverty spatial visualization is consistent with worn-out, disorganized, inefficient, marginal, and informal textures. The highest levels of urban poverty in Varamin City are located in the neighborhood such as Kheirabad, Amroabad, Kohne Gel, Sakina Bano, Kharkaneh Gand, Kashani, Goltapeh Shahrak, Central area or Akhavan Kazmabad including Fakouri Shahid Street, Chamran Shahid Street, Roghankeshi square, Namjoo and silo Street.

Key Words: Urban Poverty, Urban Blocks, Poverty Areas, Varamin.

سنجش مکانی گستره‌های فقر شهری (مورد مطالعه: شهر ورامین)

حافظ مهدنژاد^۱، کرامت اله زیاری^۲، احمد پوراحمد^۳، حسین حاتمی نژاد^۴

^۱ دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^{۲,۳,۴} استاد گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۴

چکیده

امروزه شهرهای کشورهای در حال توسعه به شکلی غم‌انگیز مکان تمرکز فقر شده‌اند و کانون فضایی این تمرکز عمدتاً در حاشیه شهرها است. کمبود شدید خدمات و فضاهای شهری، نبود دسترسی‌های مناسب برای تأمین نیازهای وابسته، ضعف اقتصادی ساکنان و عدم توانایی در پاسخ گفتن به نیازهایی به‌غیر از گذران زندگی روزمره، موجب انباشت نیازها به ویژه نیازهای فراغتی و محرومیت از امکانات مربوط به آن‌ها در شهر ورامین شده است. بر همین مبنا، هدف پژوهش حاضر سنجش توزیع مکانی پهنه‌های فقر به منظور شناخت فضایی ابعاد فقر به منظور مدیریت و سامان‌دهی بهتر آن‌ها است. روش پژوهش حاضر تحلیلی-کمی و از نوع کاربردی است. از مدل تحلیل عاملی در محیط GIS برای پهنه‌بندی فضایی فقر شهری در ورامین استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از مجموع ۱۳۶۶ بلوک شهر ورامین، تعداد ۴۶ بلوک معادل ۳/۴ درصد بسیار ثروتمند، ۲۶۴ بلوک معادل ۱۹/۳ درصد ثروتمند، ۴۶۶ بلوک معادل ۳۴/۱ درصد متوسط، ۳۹۴ بلوک معادل ۲۸/۸ درصد فقیر و ۱۹۶ بلوک معادل ۱۴/۳ درصد بسیار فقیر شناخته شده‌اند. افزون بر این، تبلور مکانی فقر بر بافت‌های فرسوده، ناه‌سامان، ناکارآمد و بافت‌های حاشیه‌ای و غیررسمی منطبق است و بنابراین، بیشترین مراتب فقر شهری در شهر ورامین در محله‌هایی مانند خیرآباد، عمروآباد، کهنه‌گل، سکینه‌بانو، کارخانه قند، کاشانی، شهرک گل‌تپه، محدوده مرکزی یا کاظم‌آباد اخوان شامل خیابان شهید فکوری، خیابان شهید چمران، میدان روغن‌کشی، خیابان نامجو و سیلو هستند.

واژه‌های کلیدی: فقر شهری، بلوک‌های شهری، گستره‌های فقر، شهر ورامین.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان: «سنجش و تحلیل مکانی گستره‌های فقر شهری (مورد مطالعه: شهر ورامین)» با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم و چهارم در دانشگاه تهران است.

* Corresponding Author: Keramatollah Ziari

E-mail address: h.mahdnejad@gmail.com, zayyari@ut.ac.ir, apoura@ut.ac.ir, hataminejad@ut.ac.ir



2588-4867/ © 2025 University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

مقدمه

شهری شدن کره زمین ملموس‌ترین پدیده تغییر در الگوهای سکونت‌گاه‌های انسانی جهانی است (Zhang, 2016). در سال ۲۰۱۴، ۵۴ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کردند. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ این رقم تا ۷۲ درصد افزایش یابد و از ۳/۶ میلیارد به ۶/۳ میلیارد در ۲۰۵۰ برسد. در حال حاضر، ۳۴ شهر با جمعیت ۱۰ میلیون نفر یا بیشتر وجود دارند؛ با وجود این، در یک دوره ۵۰ ساله، تعداد شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر از ۸۰ به ۵۳۳۴ افزایش یافته است. جمعیت جوان زیاد و نرخ رشد بالا نشان می‌دهد بیشتر جمعیت شهری از داخل شهرها خواهند آمد. شهرنشینی سریع جهانی اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بسیار زیادی (United Nations, Zhang, 2016; 2019) دارد. بر همین اساس، در حال حاضر شهرها در سرتاسر جهان با چالش نیازهای جمعیتی رو به رشد روبه‌رو هستند. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته تمایل دارند زیرساخت‌های لازم برای سازگاری با این رشد را داشته باشند، بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته در نتیجه این روند با چالش‌های غیرقابل حل اجتماعی، اقتصادی و توسعه‌ای مواجه هستند (Bhatta, 2009). این شهرنشینی سریع در کشورهای با درآمد کم و متوسط به گسترش زاغه‌ها و سکونت‌گاه‌های غیررسمی کمک کرده است که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت رو به رشد شهری را جذب می‌کند. بیشتر این جمعیت، زاغه‌نشینانی هستند که با دسترسی محدود به خدمات اولیه و زیرساخت‌ها زندگی می‌کنند (Zhang, 2016). در حال حاضر، تخمین زده می‌شود نزدیک به یک میلیارد نفر در سراسر جهان در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم روندهای فعلی، این رقم تا سال ۲۰۳۰ به ۲ میلیارد و تا سال ۲۰۵۰ به ۳ میلیارد افزایش یابد (United Nations, 2015). در جنوب صحرائی آفریقا، ۶۲ درصد از جمعیت شهری در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند (UN-Habitat, 2016). افزایش تعداد جمعیت زاغه‌نشین که مستقیماً با فقر و محرومیت شهری مرتبط است، به تهدیدی بزرگ در دستیابی به اهداف توسعه پایدار و بهبود تاب‌آوری و پایداری شهرها به ویژه در کشورهای با درآمد کم و متوسط تبدیل شده است (Zahra et al., 2018). ساکنان محله‌های فقیرنشین معمولاً با آسیب‌پذیری اجتماعی - اقتصادی، از جمله فقر و بیکاری مشخص می‌شوند و معمولاً در مناطق پرخطر زیست‌محیطی مانند مناطق سیل قرار دارند (UN-Habitat, 2016).

پاسخ‌گویی به تقاضای فزاینده جمعیت شهری (به ویژه ساکنان محله‌های فقیرنشین)، ضمن تضمین پایداری، فراگیری و برابری

شهرها، مستلزم جمع‌آوری منظم اطلاعات درباره محرومیت شهری (مانند مسکن، شرایط اجتماعی - اقتصادی و محیطی) است. در واقع، چنین اطلاعاتی شامل تعداد افرادی که در محله‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند، رشد/زوال آن‌ها، و هر گونه تغییر در ویژگی‌های فیزیکی (مانند دوام مسکن) و ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی (مانند دسترسی کافی به آب و فاضلاب) در طول زمان است (Owusu et al., 2021; Mahabir et al., 2020). اصطلاح محله فقیرنشین، به طور گسترده در مطالعات توسعه شهری و توسعه پایدار استفاده می‌شود؛ در عین حال، اصطلاح محله فقیرنشین در زمینه مکان‌های شهری متفاوت است که این امر به ترسیم فضایی ناسازگار و مبهم محله‌های فقیرنشین می‌شود. تعریف کلی پذیرفته‌شده از محله فقیرنشین از سوی مرکز اسکان ملل متحد، به یک خانواده یا گروهی از افراد که فاقد یک یا چند تا از امکانات زیر هستند اشاره دارد: مسکن بادوام، فضای زندگی کافی، دسترسی به آب سالم، دسترسی به سرویس بهداشتی کافی و امنیت تصدی. در این راستا، این مفهوم‌سازی مبتنی بر خانوار شامل اطلاعات ناکافی در سطح منطقه و وابسته به زمینه (برای مثال، ریسک‌های مخاطره‌آمیز)، همراه با فرکانس به‌روزشده پایین و مقیاس‌پذیری محدود، به دلیل هزینه‌های سنگین انجام نظرسنجی‌های خانوار است. محله‌های فقیرنشین معمولاً مناطق محروم شهری هستند؛ اما اصطلاح منطقه محروم جنبه‌هایی پیچیده‌تر و متنوع‌تر از محرومیت را در بر می‌گیرد (Thomson et al., 2020). تعریف محرومیت در سطح خانوار نمی‌تواند خطرات اجتماعی، زیست‌محیطی و اکولوژیکی مهم سطح منطقه را که از زندگی در مناطق محروم به عنوان اثرات محله‌ای ناشی می‌شوند، در نظر بگیرد. مناطق محروم با خطرات اجتماعی، زیست‌محیطی و اکولوژیکی برای سلامت و رفاه از جمله عدم دسترسی قانونی به زمین، امکانات اجتماعی مانند دسترسی به مدارس و مراکز بهداشتی یا زیرساخت‌های اساسی مانند جاده‌ها و خطوط فاضلاب تعریف می‌شوند. زندگی در یک منطقه محروم می‌تواند بروز بیماری را از طریق قرار گرفتن معرض ناقلان حیوانی و ازدحام ساختمان‌ها، آسیب‌هایی مانند آتش‌سوزی، آسیب‌پذیری در برابر رویدادهای شدید آب‌وهوایی، بروز بیشتر جرم و جنایت و موانع فیزیکی و اجتماعی برای خدمات افزایش دهد (Friesen et al., Ezeh et al., 2017; 2020).

از این رو، محله‌های فقیرنشین بزرگ به ویژگی اصلی شهرها در بسیاری از کشورهای با درآمد کم و متوسط تبدیل شده‌اند. در این میان، کلان‌شهر تهران دارای منطقه شهری بزرگی است که منشأ توسعه فیزیکی بسیاری از شهرهای پیرامون، محله‌های زاغه‌نشین و

اساسی برجسته شد. کمیسیون برنامه ریزی کارگروهی را برای پیش بینی کمینه نیازها و تقاضای مصرف مؤثر تعیین کرد که خط فقر روستایی را به عنوان سطح هزینه مصرف سرانه بر اساس کمینه کالری دریافتی در مناطق روستایی و شهری تعریف کرد؛ بنابراین، اگرچه اندازه گیری فقر در فضای درآمد باقی ماند، اساس اندازه گیری فقر از رویکرد مبتنی بر درآمد به رویکرد مبتنی بر نیازهای اساسی تکامل یافت (Foster & Sen, 1997). بر اساس توصیه کارگروه، کمینه نیاز اولیه غذایی برای روستاییان و شهرنشینان به ترتیب ۲۴۰۰ کالری و ۲۱۰۰ کالری بوده است. بر اساس این کمینه کالری مورد نیاز، کمینه سطوح درآمد معیشتی مورد نیاز برای مناطق مختلف تعیین شد. این کمینه سطوح درآمد مورد نیاز به عنوان آستانه فقر منطقه ای استفاده شده است. برای بهبود اثربخشی و به موقع بودن سیاست گذاری، به تازگی توجه به محرومیت های خاص در کنار فقر درآمدی معطوف شده است. برای هدف قرار دادن خدمات به نیازمندان، دولت اقدامی را انجام داد که بر اساس آن، به خانواده های زیر خط فقر توجه می شود (Alkire & Seth, 2008).

مطالعات تجربی (Wang et al., Alkire & Kumar, 2012)؛ (Suppa, 2016; 2016) نشان داده اند تعدادی جالب توجه از مردم به صورت چندبُعدی فقیر هستند؛ در حالی که آن ها از نظر درآمد فقیر نیستند. در واقع، افزایش رفاه اقتصادی خانوارها همیشه به معنای کاهش فقر چندبُعدی نیست؛ از این رو، برای برطرف کردن کاستی های روش های سنتی ارزیابی فقر، در سال های اخیر، فقر به عنوان یک موضوع چندوجهی مورد توجه قرار گرفته است و مفهوم فقر، اکنون شامل بهداشت و تغذیه ضعیف، فقدان آموزش و مهارت و معیشت و شرایط ناکافی زندگی است (Alkire & Foster, 2011). مطالعات مختلف (UNDP, 2010; Yu, 2013) ثابت کرده اند این پارادایم به ویژه برای برنامه ریزی منطقه ای و ملی کاهش فقر مفید است. شاخص چندبُعدی فقر هم وقوع و هم شدت محرومیت را در نظر می گیرد و آن را دقیق تر از ارزیابی فقر صرفاً بر اساس درآمد و مصرف، محاسبه می کند. همچنین، شاخص چندبُعدی فقر مزایایی را نسبت به شاخص توسعه انسانی ارائه می دهد؛ زیرا شاخص توسعه انسانی رفاه را در سطح کشور ارزیابی می کند؛ در حالی که شاخص فقر چندبُعدی از داده های خانواده های فردی استفاده می کند (Tripathi & Yenneti, 2020).

با وجود این، فقر خود را به طرق متعدد نشان می دهد و از این رو، باید با یک شاخص ترکیبی اندازه گیری شود که به ابعاد چندگانه نگاه می کند. علت اصلی این محرومیت های چندگانه ممکن است کمبود درآمد باشد؛ اما گاهی اوقات درآمد ممکن است

فقیرنشین است. شهر ورامین از جمله شهرهای واقع در جنوب شرقی کلان شهر تهران است که دارای محله های فقیرنشین زیادی است؛ محله هایی که از بسیاری از زیرساخت ها، امکانات و خدمات اولیه فرهنگی، اجتماعی و کالبدی محروم هستند. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر سنجش مکانی گستره های فقر شهری در شهر ورامین است.

مفهوم فقر شهری

فقر موضوع اساسی است که حتی در اوایل سده بیست و یکم، به عنوان یکی از پایدارترین بحران های اجتماعی - اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان شناخته می شود (Khan et al., 2015)؛ از این رو، فقر چالشی بزرگ برای رشد اقتصادی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار است (Jagadehwaran et al., 2022). فقر پدیده ای پیچیده است که به طرق مختلف توسط دانشگایان و دست اندرکاران توسعه مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این واقعیت که در طول سالیان متمادی تعاریفی مختلف از فقر ارائه شده اند (Abdul-Mumin & Shamsiry, 2014; Yu, 2013)؛ (Wu & Qi, 2017 Singh & Singh, 2024)، به دلیل پیچیدگی آن، تعریف مورد توافق جهانی از فقر وجود ندارد. فقر به طور سنتی برحسب مصرف و مخارج ارزیابی می شود که این موضوع دارای محدودیت تکبُعدی است و ابعاد مختلف محرومیت را منعکس نمی کند. تعریف فقر شهری در طول زمان تکامل یافته و این امر درک آن را پیچیده کرده است. می توان آن را به عنوان کمبود مسکن، مراقبت های بهداشتی، خدمات اضطراری، مدیریت پسماند، فاضلاب، و امکانات آب آشامیدنی در مناطق شهری تعریف کرد (Hanchett et al., 2003).

رویکرد اقتصادی مرسوم افراد فقیر و بسیار فقیر را بر اساس میزان درآمد یا مصرفشان شناسایی می کند (Satterthwaite, 1995; UN-Habitat, 2022). فقر با استفاده از عبارت های مطلق و نسبی تعریف می شود: فقر مطلق شامل نوسانات درآمدی است که بر توانایی برآوردن نیازهای اولیه شخصی مانند غذا، سرپناه و مراقبت های بهداشتی تأثیر می گذارد؛ در حالی که فقر نسبی به ناتوانی در برآوردن مداوم این نیازها اشاره دارد (Jolliffe, 2001). در سطح جهانی، ۸۵ درصد از مردم کمتر یا مساوی ۳۰ دلار در روز درآمد دارند که دوسوم آن ها زیر ۱۰ دلار و ۱۰ درصد کمتر از ۱/۹۰ دلار در روز درآمد دارند (Roser & Ortiz-Ospina, 2019). خط فقر بین المللی ۱/۹۰ دلار در روز تعیین شده است (AbdullahKaiser et al., 2024).

در اوایل دهه ۱۹۷۰، برای اولین بار، رویکرد کمینه نیازهای

(Loury, 2000). طرد اجتماعی دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یا ترکیبی از هر سه جنبه یاد شده است. جنبه‌های اقتصادی طرد ممکن است به صورت فقدان دسترسی به زمین و سایر دارایی‌های فیزیکی، اعتبار، مهارت‌ها و بازارهای کار باشند که به فقر اقتصادی افراد طرد شده منجر می‌شوند و معمولاً آن‌ها را به سوء تغذیه، بیماری، مسکن نامطلوب یا بی‌خانمانی و شرایط زندگی غیر بهداشتی محکوم می‌کنند. جنبه اجتماعی طرد مشتمل بر تبعیض بر اساس جنسیت، قومیت، گروه‌های اجتماعی، معلولیت‌های ذهنی و جسمی و سن است. این تبعیض به طور مؤثر فرصت‌های افراد طرد شده برای رها کردن خود از فقر را کاهش می‌دهد. طرد ممکن است به علت جنبه‌ای سیاسی حاصل شود؛ هنگامی که نهادهای دموکراتیک مردم‌محور حاضر نیستند و حقوق سیاسی (مانند مشارکت سیاسی، حق سازمان‌دهی، امنیت شخصی، آزادی بیان و برابری فرصت) محدود شده‌اند یا اصلاً وجود ندارند. افراد طرد شده از این شانس محروم هستند تا از نظر قانونی نقض حقوق خود و انکار فرصت‌ها را جبران کنند؛ زیرا آن‌ها استطاعت پرداخت هزینه‌های این امر را ندارند یا توسط عاملان قدرتمند این ناعدالتی از پیگیری بازداشت می‌شوند - کسانی که قوانین و مقررات را به نفع خود قبضه کرده‌اند (Qazi Kholiquzzaman, 2002). قطبش اجتماعی و مفهوم شهرهای دوگانه بیشتر بر جنبه فضایی و مکانی نابرابری و فقر تأکید دارند. مفهوم قطبش اجتماعی، که سرچشمه آن به مانوئل کاستلز^v و ساساکی ساسن^v برمی‌گردد. قطبش اجتماعی ممکن است به عنوان نتیجه بازساخت اقتصادی درک شود. به علت حذف محدودیت‌های مکانی، برخی از فعالیت‌ها آزاد شده‌اند و این موضوع به همراه مقررات‌زدایی و عقلانی شدن فناوری، به تغییراتی در بخش‌های تولیدی شهرها (جهانی) منجر شده است. ایده شهر دوگانه بر اساس شواهدی از تقسیم اجتماعی روزافزون در محدوده شهرها و نمود آشکار طبقات فرودست شهری است که از سازوکارهای پویای اقتصاد رسمی جدا شده‌اند. کاستلز و ساسن نشان داده‌اند قطبش اجتماعی در ساختار فضایی شهرها نمود پیدا کرده است. به تعبیر هادسون^{vi}، پکیج‌های محرومیت^{vi} در برابر جزایر بسیار تماشایی نوسازی قرار گرفته‌اند که معمولاً در مجاورت این دریاها ناامیدی و یأس (منظور مناطق فقیرنشین) واقع شده‌اند (Martínez & Javier, 2007).

بر این اساس، فقر شهری یک مفهوم چندبُعدی است که دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. فقر را نمی‌توان جدای از بی‌عدالتی، تقسیمات اجتماعی و روابط قدرت و در یک کلمه نظام سیاسی و اقتصادی درک کرد؛ بنابراین، چشم‌انداز و سیمای کنونی در شهرها سیاه‌قلم‌هایی از روابط بسیار نامتعادل

به برطرف کردن نیازهای اولیه تبدیل نشود (Sen, 1980). فقر با محرومیت در سایر زمینه‌ها مانند بهداشت، آموزش و سایر ویژگی‌های اجتماعی همراه است؛ بنابراین، رویکرد چندبُعدی برای اندازه‌گیری فقر عملی‌تر و روشن‌تر است. شاخص چندبُعدی فقر فراتر از تمرکز سنتی بر اندازه‌گیری فقر با استفاده از درآمد با ثبت محرومیت‌های متعددی است که افراد فقیر تجربه می‌کنند. قدرت آن در توانایی منحصربه‌فرد این است که نه فقط نشان دهد چه کسی فقیر است، بلکه چگونه از نظر استانداردهای زندگی، آموزش و سلامت فقیر است؛ در نتیجه، کاستی‌های اندازه‌گیری فقر را با استفاده از درآمد برطرف می‌کند (Mothkooor & Badgaiyn, 2021)؛ بنابراین، فقرا به طرق مختلف از محرومیت رنج می‌برند: سطح پایین درآمد، بی‌سوادی، سطح نسبتاً بالای مرگ‌ومیر، زیرساخت‌های ضعیف، کمبود صدا و دسترسی ضعیف به منابعی مانند اعتبار، زمین، آب و جنگل. شاخص‌های توسعه انسانی و جنسیتی، فراتر از رویکردهای درآمد‌محور، به اندازه‌گیری توسعه و گنجاندن قابلیت‌هایی مانند سالم بودن یا باسواد بودن در شاخص توسعه کمک می‌کنند (Mehta, 2003).

نظریه‌های زیادی در رابطه با فقر شهری مطرح شده‌اند. طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، اصطلاح «به‌حاشیه‌راندگی» به فقرا برای اطلاق می‌شد که از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، جایگاه حاشیه‌ای و پیرامونی در کشورهای در حال توسعه داشتند. خاطر نشان می‌شود طی دهه ۱۹۸۰، سازمان‌های جهانی (بانک جهانی و برنامه توسعه ملل متحد) اصطلاحی بی‌طرفانه‌تر، یعنی فقر را جایگزین به‌حاشیه‌راندگی کردند. اصطلاح به‌حاشیه‌راندگی عموماً در ارتباط با شهرهای آمریکای لاتین استفاده می‌شود و حکایت از آن دارد که حاشیه‌ای‌ها افرادی هستند که در لبه یا حاشیه هر طبقه قرار گرفته‌اند (Nelson, 1979)؛ به این معنا که افراد حاشیه‌ای در سیستم اقتصادی مشارکت کم و به تبع آن، دستاوردی اندک نیز دارند. در حالی که سایر مفاهیم مانند فقر فرهنگی اسکار لوئیسⁱ به شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند و طی زمان رد شده‌اند، مفهوم به‌حاشیه‌راندگی هنوز دارای برخی از دیدگاه‌های مفید است (Nelson, 1979). نظریه طرد اجتماعی نخستین بار در فرانسه در زمینه مطالعات سیاست‌گذاری اجتماعی به کار رفته و توسط رنه لونوارⁱⁱ، در ربع آخر سده بیستم ابداع شده است. مفهوم طرد اجتماعی طیفی گسترده از مشکلات اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد (Sen, 2000). طرد اجتماعی مفهوم فقر را شامل می‌شود، اما کلی‌تر از فقر است؛ زیرا به‌صراحت بر جنبه‌های توزیعی و رابطه‌ایⁱⁱⁱ فقر تأکید می‌کند. تمرکز بر جنبه‌های نهادی و جامعه‌شناختی فقر در میان صاحب‌نظران طرد اجتماعی آشکار است

داده‌ها استفاده شده است؛ به طوری که بلوک‌های شهر ورامین در پنج گروه متشکل از مناسب، نسبتاً مناسب، متوسط، نسبتاً نامناسب، نامناسب طبقه‌بندی شده‌اند.

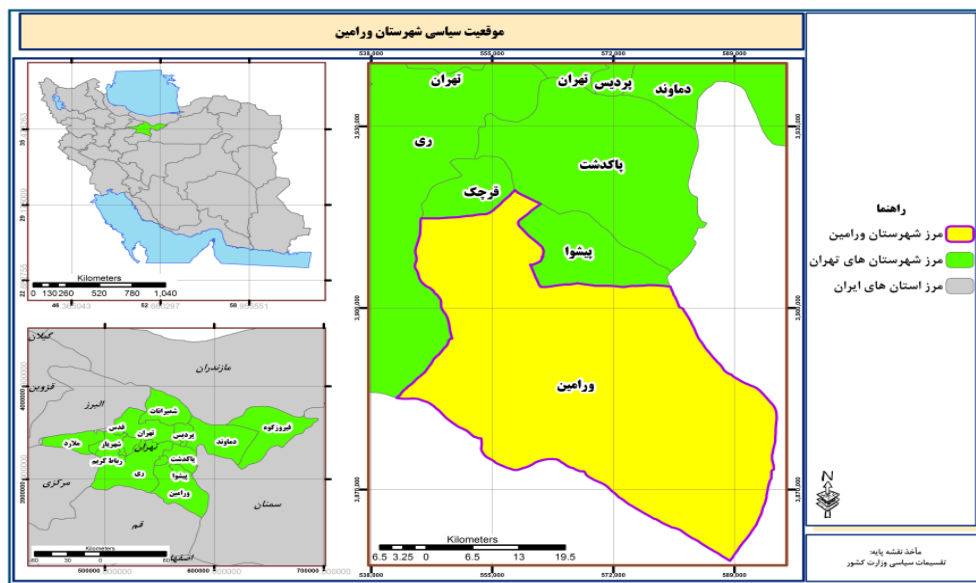
محدوده مورد مطالعه

شهرستان ورامین در جنوب شرقی استان تهران واقع شده است و مساحت آن حدود ۱۸۹۵ کیلومتر مربع است. نتایج آخرین سرشماری رسمی کشور بیانگر آن است که شهرستان ورامین ۴ بخش، ۹ دهستان و ۱۵۳ آبادی دارای سکنه دارد. محدوده حوزه شهری ورامین متشکل از سه شهر ورامین، قرچک و پیشوا به همراه حوزه بلافاصل آن، یعنی حریم هر سه شهر است که مساحت آن حدود ۲۳۵ کیلومتر مربع است. در مجموع، این حوزه شامل ۳ کانون شهری و ۲۹ آبادی است. شهر ورامین در مرکز شهرستان ورامین و بین ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. جمعیت شهر ورامین ۲۲۵۶۲۸ نفر است. شکل (۱) موقعیت جغرافیایی شهر ورامین را نشان داده است.

اقتصادی و اجتماعی و قدرت هستند که جدایی‌گزینی‌ها و انشقاق فضای اجتماعی را انعکاس می‌دهند. به سخن بهتر، فقر در شهرها بازتاب نظام و نیروهایی است که نمود مکانی اسکان را به سمت بی‌تعدالی، به حاشیه‌راندگی، طرد اجتماعی و دوقطبی شدن گروه‌های اجتماعی سوق می‌دهد؛ بنابراین، در چنین فضایی گروه‌های اجتماعی فقیر (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) ناچار از اسکان در محدوده‌هایی هستند که روابط بالا بر آن‌ها تحمیل شده‌اند؛ از این رو، قطبش اجتماعی و طرد اجتماعی شکاف‌های فقر را در محله‌های شهری تشدید می‌کنند.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و رویکرد آن، کاربردی است. از ۳۳ شاخص در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی - محیطی برای ارزیابی فقر شهری ورامین استفاده شده است. داده‌های پژوهش مربوط به بلوک‌های آماری مرکز آمار ایران است. جامعه آماری شامل محدوده قانونی شهر ورامین است. از نرم‌افزار Arc/GIS برای تعیین گستره‌های فقر شهری ورامین استفاده شده است. از مدل تحلیل عاملی برای تحلیل



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی شهر ورامین در استان تهران

منبع: ترسیم نگارندگان

را تبیین می‌کند. بر این اساس، همان‌طور که در شکل (۲) قابل مشاهده است، بلوک‌های با رنگ‌های آبی و صورتی نشان‌دهنده مکان سکونت طبقه ثروتمند و بسیار ثروتمند هستند. بلوک‌های سبز رنگ نیز متعلق به طبقه متوسط هستند؛ در عین حال، بلوک‌های با رنگ‌های قهوه‌ای و قرمز نیز بیانگر مکان سکونت افراد فقیر و بسیار فقیر هستند. ضریب اختلاف در این عامل، بین بلوک‌های شهر

بحث و یافته‌ها: سنجش مکانی فقر شهری ورامین

عامل اول

در این عامل، ۷ شاخص نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، بار تکفل، ضریب تکفل، نسبت جوانی جمعیت، میزان فعالیت عمومی، نسبت وابستگی و مشارکت اقتصادی زنان قرار دارند. مقدار ویژه عامل نخست ۶/۲۷ است که ۱۹/۰۱ درصد از واریانس

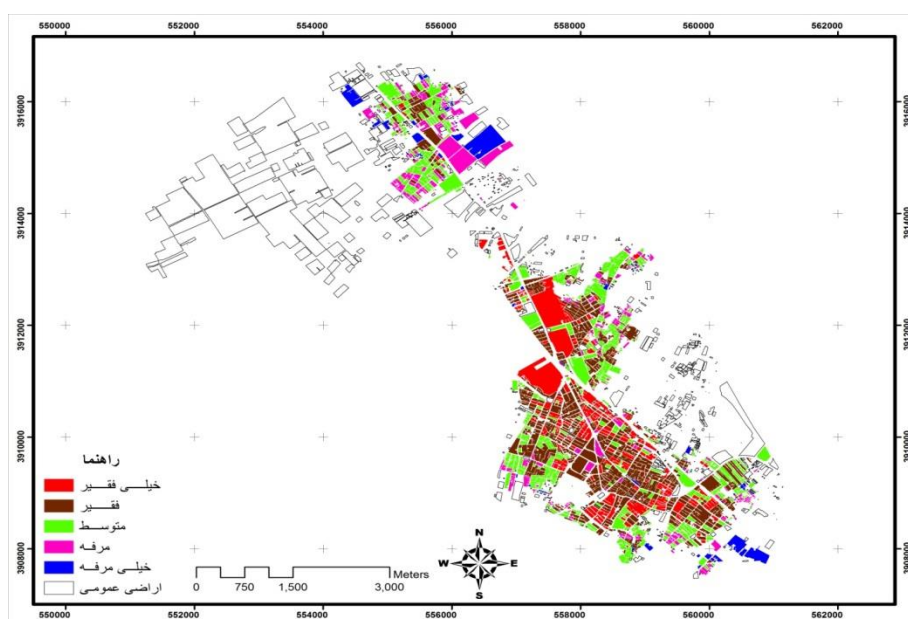
ورامین، ۵۰ درصد است که بیشترین نابرابری در بین شاخص‌های بررسی شده را به دست آورده است.

جدول ۱- متغیرهای بارگذاری شده در عامل نخست

ردیف	متغیر	همبستگی
۱	نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم	-۰/۷۰۰
۲	بار تکفل	۰/۹۳۳
۳	ضریب تکفل	۰/۸۱۴
۴	نسبت جوانی جمعیت	۰/۸۵۸
۵	میزان فعالیت عمومی	-۰/۸۷۸
۶	نسبت وابستگی	۰/۹۳۳
۷	مشارکت اقتصادی زنان	-۰/۹۰۴
۸	نرخ بی‌سوادی	۰/۵۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۱) نشانگر اطلاعات مربوط به همبستگی بین متغیرها است. در واقع، همبستگی متغیرهای هشت‌گانه عامل نخست را نشان داده است. این عامل بیشترین تأثیر را بر فقر شهری ورامین نسبت به سایر عامل‌ها دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این عامل، پنج شاخص اقتصادی، دو شاخص فرهنگی و یک شاخص اجتماعی وجود دارند. بر همین اساس، می‌توان عامل نخست را عامل اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نامید. شکل (۲) پراکنش فضایی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل نخست را نمایش داده است.



شکل ۲- پهنه‌بندی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل نخست

منبع: یافته‌های پژوهش

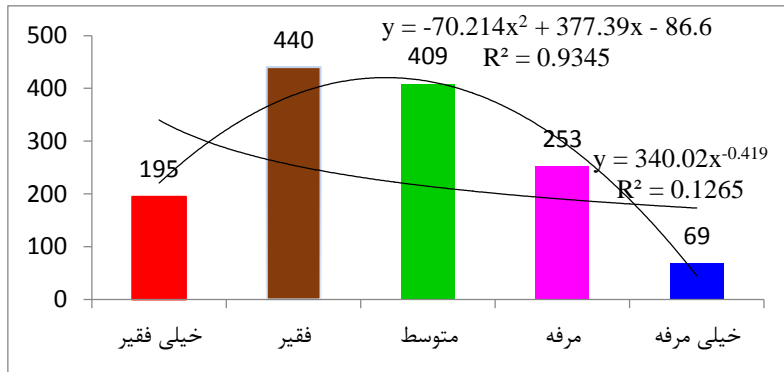
حدود ۲۳ درصد از بلوک‌های شهری ورامین را به خود اختصاص داده است.

نخستین بخش اطلاعات ما درباره مسأله خوبی برآزش R^2 است؛ یعنی بخشی از تغییر در Y که به سبب تغییر در X پدید آمده است. در رگرسیون چندگانه بالا، R^2 همچنان نماینده تغییر در Y به علت تغییر در X است؛ اما هیچ اطلاعاتی درباره تک تک متغیرها در تغییرات Y به ما نمی‌دهد. نتایج مشاهدات مبین آن است که R^2 به دست آمده ۰/۹۳۴ است. با کاهش عوامل به عنوان متغیرهای مستقل از مقدار R^2 کاسته می‌شود. این امر گویای این واقعیت است که با افزایش شاخص‌های تحت مطالعه و به تبع آن افزایش عوامل، درصد تغییرات جامعه نیز بیشتر می‌شود. می‌توان گفت

شکل (۳) نشانگر روند تغییرها و پراکندگی فقر شهری ورامین است. همان‌طور که به وضوح دیده می‌شود، در این عامل، تعداد بلوک‌های فقیر، متوسط و ثروتمند شهر ورامین مشخص شده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از لحاظ عامل نخست، ۶۳۵ بلوک فقیر و بسیار فقیر در شهر ورامین وجود دارند. طبقه متوسط سهمی مناسب را به خود اختصاص داده است که ۴۰۹ بلوک شهری هستند. همچنین، طبقه ثروتمند و بسیار ثروتمند ۳۲۲ بلوک را به خود اختصاص داده است. افزون بر این، حدود ۴۷ درصد از جمعیت بلوک‌های شهر ورامین جزء طبقه فقیر و بسیار فقیر به حساب می‌آیند. حدود ۳۰ درصد از جمعیت بلوک‌های این شهر جزء طبقه متوسط هستند. همین‌طور طبقه ثروتمند و بسیار ثروتمند

دارند نباید ما را متعجب کند؛ زیرا بین شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و سطح رفاه در جامعه ارتباطی معنادار برقرار است.

عوامل اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی ۹۳/۴ درصد از تغییرات جامعه را تبیین می‌کنند. نمودار زیر گویای همبستگی بین شاخص‌ها و طبقات اجتماعی است. این حقیقت که متغیرها همبستگی زیادی



شکل ۳- نمودار پراکنش فضایی فقر شهری ورامین با توجه به عامل نخست

منبع: یافته‌های پژوهش

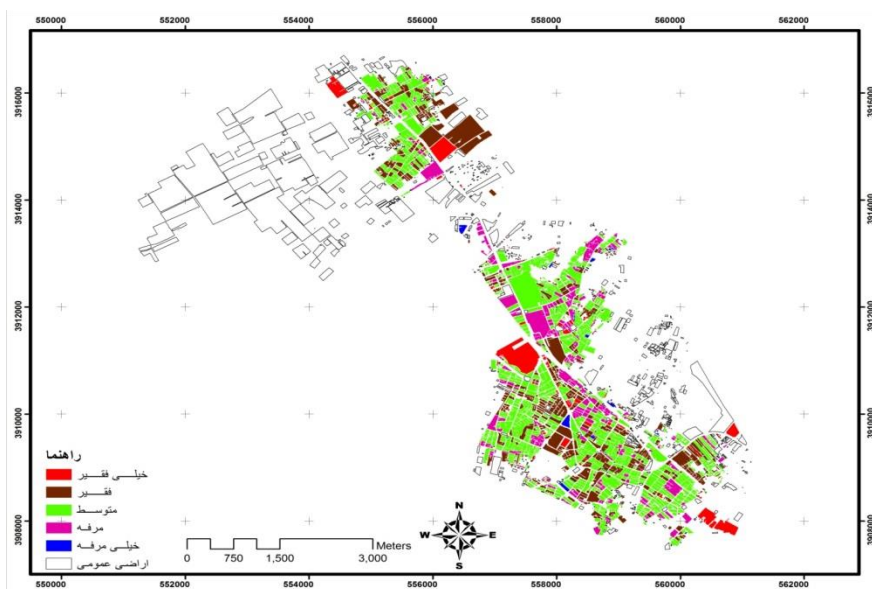
عامل دوم

عامل دوم بر شاخص‌های معیشتی، اشتغال، فعالیت و سرباری متمرکز شده است. مقدار ویژه عامل دوم ۵/۰۲ درصد است که ۱۵/۲۲ درصد از واریانس را توجیه می‌کند. همچنین، ضریب اختلاف عامل دوم ۳۸/۴۶ درصد است. بر مبنای جدول (۲)، به تقریب می‌توان گفت تمام شاخص‌های مندرج در عامل دوم اقتصادی هستند؛ از این رو، می‌توان عامل دوم را عامل اقتصادی نامید. شکل (۴) پراکنش فضایی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل دوم را نشان داده است. همان‌طور که در شکل (۴) قابل مشاهده است، در حاشیه‌ها و جداره‌های شهر ورامین، تعدد بلوک‌های فقیرنشین دیده می‌شود.

جدول ۲- متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم

ردیف	متغیر	همبستگی
۱	نرخ سرباری	-۰/۶۹۲
۲	میزان فعالیت	۰/۸۷۶
۳	بار معیشت	۰/۸۵۲
۴	میزان اشتغال جمعیت	-۰/۸۲۱
۵	بار جمعیتی	۰/۸۹۲
۶	مشارکت اقتصادی	-۰/۸۴۴
۷	ضریب اشتغال	۰/۸۵۲

منبع: یافته‌های پژوهش

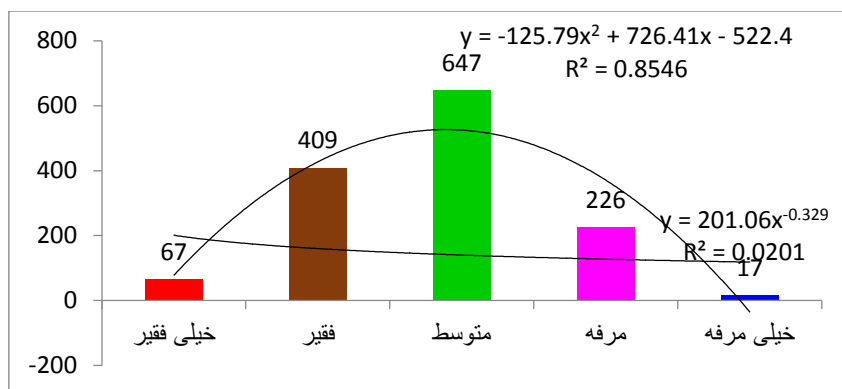


شکل ۴- پهنه‌بندی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل دوم

منبع: یافته‌های پژوهش

باقی می‌ماند که معلول عواملی هستند که در الگوی رگرسیون لحاظ نشده‌اند. خاطرنشان می‌شود بر اساس عامل دوم، حدود ۳۵ درصد از جمعیت بلوک‌های شهر ورامین جزء طبقه‌های فقیر و بسیار فقیر هستند. حدود ۴۷ درصد از جمعیت بلوک‌های شهر ورامین به طبقه متوسط اختصاص دارند؛ در عین حال، طبقه ثروتمند و بسیار ثروتمند حدود ۱۸ درصد از جمعیت بلوک‌های شهر ورامین را به خود اختصاص داده است.

نتایج پژوهش در عامل دوم بیانگر آن است که ۴۷۶ بلوک فقیر و بسیار فقیر در شهر ورامین وجود دارند؛ در عین حال، ۶۴۷ بلوک شهری ورامین به طبقه متوسط تعلق یافته‌اند. افزون بر این، ۲۴۳ بلوک شهری ورامین مربوط به طبقه‌های ثروتمند و بسیار ثروتمند هستند. شکل (۵) بر این آمار صحنه گذارده است. همچنین، شکل یادشده بیانگر آن است که ۸۵/۴ درصد از تغییرات Y توسط X قابل بیان هستند؛ از این رو، ۱۴/۶ درصد از تغییرات Y تبیین نشده



شکل ۵- نمودار پراکنش فضایی فقر شهری ورامین با توجه به عامل دوم

منبع: یافته‌های پژوهش

عامل سوم

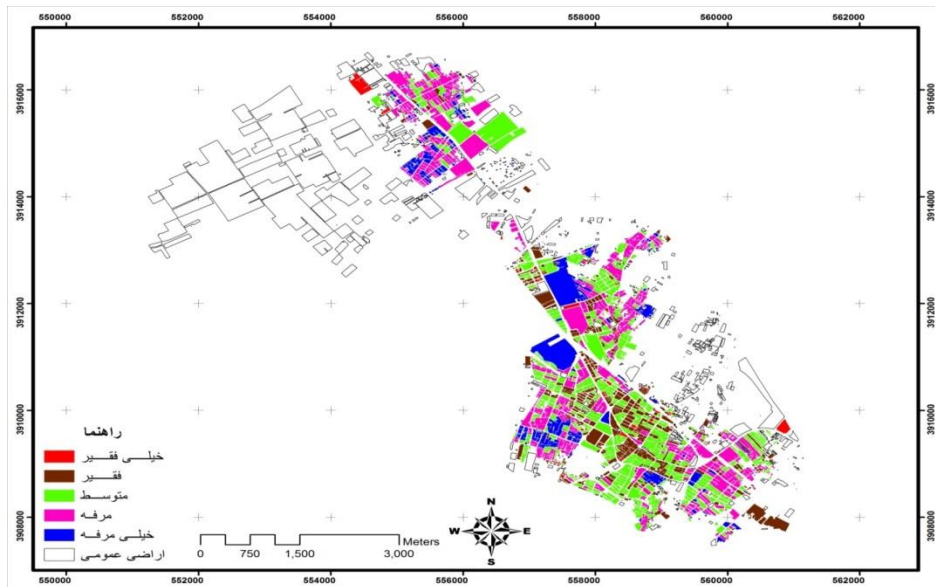
همان‌طور که شکل (۷) نشان می‌دهد، از لحاظ عامل سوم، ۳۸۳ بلوک شهر ورامین به طبقه‌های فقیر و بسیار فقیر اختصاص یافته‌اند. طبقه متوسط به‌تنهایی ۴۸۵ بلوک را به خود اختصاص داده است. همین‌طور، ۴۹۸ بلوک به طبقه‌های ثروتمند و بسیار ثروتمند شهر ورامین اختصاص پیدا کرده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این عامل، $R^2 = 0/981$ است. به بیان بهتر، ۹۸/۱ درصد از پراکنندگی (تغییرات) Y به وسیله X قابل بیان هستند و ۱/۹ درصد از تغییرات Y تبیین نشده‌اند و معلول عواملی هستند که در این عامل بیان نشده‌اند. افزون بر این، نتایج نشان‌دهنده آن است که حدود ۲۸ درصد از جمعیت بلوک‌های شهر ورامین جزء طبقه‌های فقیر و بسیار فقیر هستند. حدود ۳۶ درصد از جمعیت بلوک‌های شهر ورامین جزء طبقه متوسط هستند. حدود ۳۶ درصد از جمعیت بلوک‌های شهر ورامین جزء طبقه‌های ثروتمند و بسیار ثروتمند هستند.

عامل سوم عمدتاً بر شاخص‌های کالبدی متمرکز شده است؛ از این رو، می‌توان این عامل را به عنوان عامل کالبدی - اجتماعی نام‌گذاری کرد؛ زیرا بر تراکم و سرانه جمعیت در واحد مسکونی و همین‌طور، بُعد خانوار متمرکز شده است (جدول ۳). مقدار ویژه عامل سوم ۴/۷۵ درصد است که ۱۴/۴۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. ضریب پراکنندگی عامل سوم ۳۴/۸۱ درصد است. شکل (۶) پراکنش فضایی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل سوم را نشان داده است.

جدول ۳- متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم

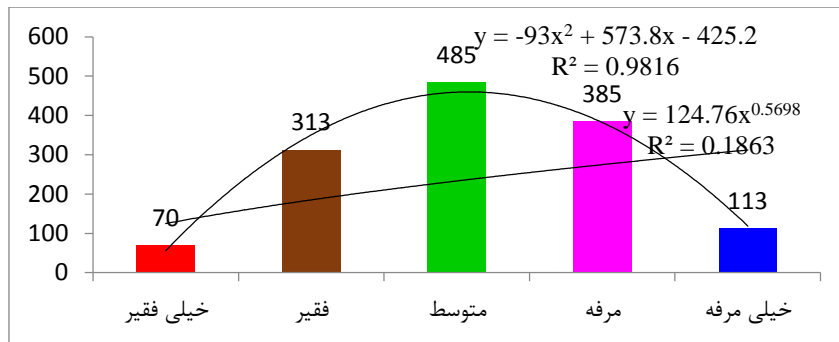
ردیف	متغیر	همبستگی
۱	متوسط بُعد خانوار	۰/۸۴۶
۲	تراکم جمعیت در واحد مسکونی	-۰/۸۸۶
۳	سرانه خالص مسکونی	-۰/۸۳۰
۴	تراکم نفر در واحد مسکونی	۰/۸۸۸
۵	متوسط مساحت اتاق بر نفر	-۰/۸۸۶

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۶- پهنه‌بندی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل سوم

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۷- نمودار پراکنش فضایی فقر شهری ورامین با توجه به عامل سوم

منبع: یافته‌های پژوهش

در چرخه‌ای گرفتار کرده‌اند که نمی‌توانند از آن فرار کنند. گفتنی است، درصد توجیه واریانس این عامل ۱۳/۵۶ و مقدار ویژه آن ۴/۴۷ است؛ از این رو، ضریب پراکنش عامل چهارم ۲۴/۹۱ درصد است. شکل (۸) پراکنش فضایی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل چهارم را نمایش داده است.

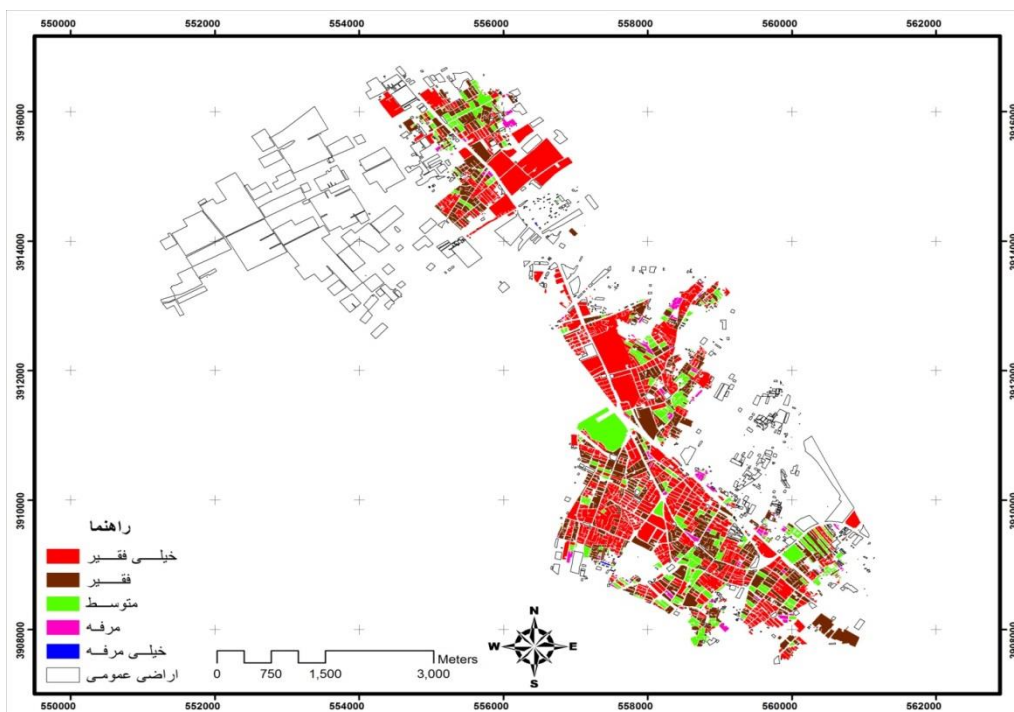
جدول ۴- متغیرهای بارگذاری شده در عامل چهارم

همبستگی	متغیر	ردیف
۰/۹۶۲	نرخ بیکاری	۱
۰/۹۵۷	بیکاری مردان	۲
۰/۹۴۱	بیکاری زنان	۳
۰/۹۴۱	بارتکفل خالص	۴

منبع: یافته‌های پژوهش

عامل چهارم

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، عامل چهارم دربرگیرنده شاخص‌هایی مانند نرخ بیکاری مردان و زنان و بار تکفل خالص است. یکی از مهم‌ترین مشکلات فقرای شهری درآمد نامنظم و بیکاری آن‌ها است که آن‌ها را از دستیابی به ثبات اقتصادی باز می‌دارد؛ به این معنا که در فصول خاصی شغل پیدا می‌کنند و در بعضی از فصول بیکار هستند. این موضوع مانع پرداخت بدهی اقتصادی می‌شود و از تعادل در زندگی آن‌ها جلوگیری می‌کند. فقرای شهری در طول سال به طور مداوم در مشاغل خاصی کار نمی‌کنند و معمولاً به عنوان کارگران فصلی خدمت می‌کنند. این ناهماهنگی آن‌ها را از کسب تخصص در هر زمینه خاصی باز می‌دارد و بی‌ثباتی اقتصادی آن‌ها را تشدید می‌کند. این نابرابری‌های درآمدی و بیکاری در مناطق شهری ورامین به فقر شهری کمک می‌کنند. در واقع، بیکاری و دستمزدهای کم فقرای شهری ورامین را

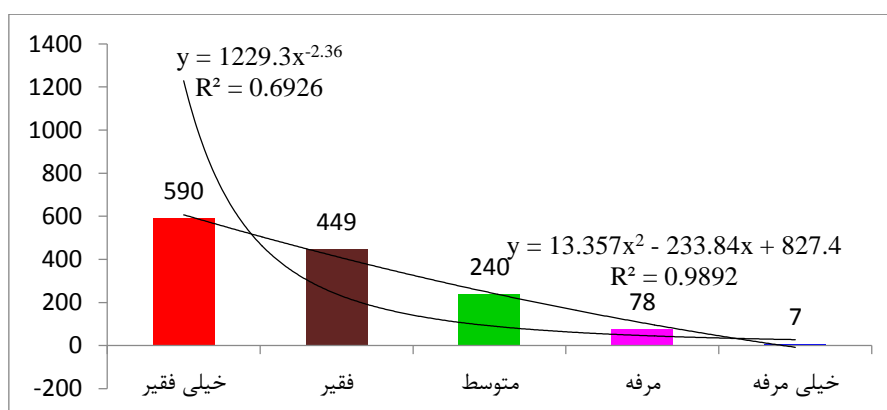


شکل ۸- پهنه‌بندی فقر شهری ورامین از لحاظ عامل چهارم

منبع: یافته‌های پژوهش

فقیر و فقیر در شهر ورامین وجود دارند. همچنین، سهم طبقه متوسط ۲۴۰ بلوک است. افزون بر این، طبقه ثروتمند و بسیار ثروتمند ۸۵ بلوک شهری را به خود اختصاص داده است.

بر اساس شکل (۹)، R^2 به دست آمده ۰/۹۸۹ است. این موضوع نشان می‌دهد ۹۸/۹ درصد از تغییرات جامعه ناشی از این عامل هستند. در این عامل نیز، ۱/۱ درصد از تغییرات Y تبیین نشده‌اند. بر اساس شکل یادشده، از لحاظ عامل چهارم، ۱۰۳۹ بلوک بسیار

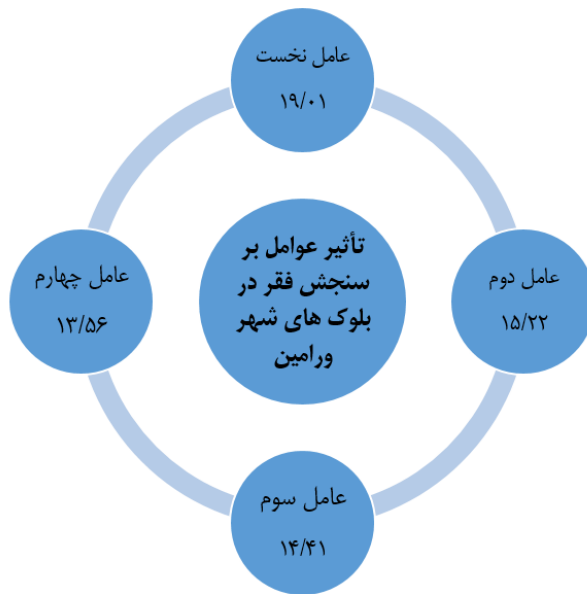


شکل ۹- نمودار پراکنش فضایی فقر شهری ورامین با توجه به عامل چهارم

منبع: یافته‌های پژوهش

مجموع، همان‌طور که شکل (۱۰) نشان می‌دهد، درصد واریانس عامل‌های چهارگانه پژوهش حاضر ۶۲/۲۱ درصد است. این موضوع بیانگر آن است که عامل نخست بیشترین تأثیر را بر فقر شهری ورامین گذاشته است.

بر این اساس، از لحاظ عامل چهارم، حدود ۱۰ درصد از جمعیت بلوک‌های شهری ورامین ثروتمند و بسیار ثروتمند هستند؛ در عین حال، طبقه متوسط حدود ۱۷ درصد از بلوک‌های شهری ورامین را به خود اختصاص داده است و بیش از ۷۳ درصد از جمعیت شهر جزء طبقه فقیر و بسیار فقیر به شمار می‌آیند. در



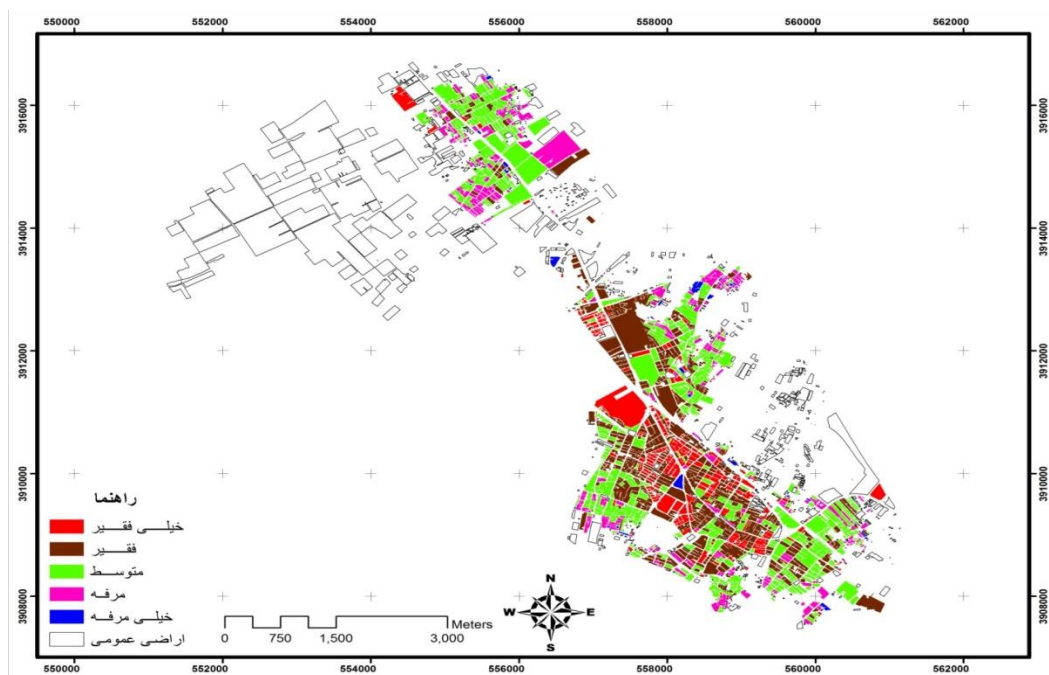
شکل ۱۰- تأثیر عوامل های چهارگانه در سنجش فقر شهری ورامین

منبع: یافته‌های پژوهش

ورامین ۴۶۶ بلوک (معادل ۳۴/۱ درصد) است. سهم طبقه فقیر از بلوک‌های شهر ورامین ۳۹۴ بلوک (معادل ۲۸/۸ درصد) است. سهم طبقه بسیار فقیر از بلوک‌های شهر ورامین ۱۹۶ بلوک (معادل ۱۴/۳ درصد) است. شکل (۱۱) پراکنش فضایی فقر شهری ورامین از لحاظ شاخص تلفیقی را نمایش داده است. گفتنی است، ضریب اختلاف شاخص تلفیقی شهر ورامین ۴۳/۷۹ درصد است.

سطح‌بندی بلوک‌های شهر ورامین بر اساس عامل تلفیقی فقر شهری

ترکیب عوامل چهارگانه سنجش فقر شهری ورامین موجب استخراج شاخص تلفیقی شده است. بر این اساس، سهم طبقه بسیار ثروتمند از بلوک‌های شهر ورامین ۴۶ بلوک (معادل ۳/۴ درصد) است. سهم طبقه ثروتمند از بلوک‌های شهر ورامین ۲۶۴ بلوک (معادل ۱۹/۳ درصد) است. سهم طبقه متوسط از بلوک‌های شهر

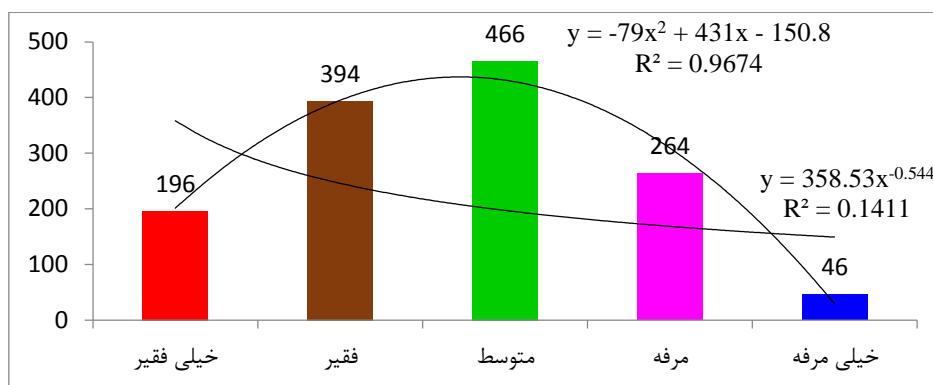


شکل ۱۱- نقشه پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری با توجه به تلفیق عوامل چهارگانه شهر ورامین

منبع: یافته‌های پژوهش

مدنظر نشان می‌دهد ۹۶/۷ درصد از تغییرات جامعه ناشی از عوامل تحت بررسی هستند.

بر اساس شکل (۱۲)، نتایج حاکی از آن است که R^2 به‌دست‌آمده برای شاخص تلفیقی شهر ورامین ۰/۹۶۷ است. رقم



شکل ۱۲- نمودار پراکنش فضایی فقر شهری با توجه به تلفیق عوامل چهارگانه شهر ورامین

منبع: یافته‌های پژوهش

داده است که معال ۳۴/۱ درصد است؛ در عین حال، گسترده‌ترین و بیشترین بلوک‌های شهر ورامین به طبقه فقیر و بسیار فقیر اختصاص دارد که بیش از ۴۲ درصد از مجموع بلوک‌های شهر ورامین است.

تلفیق عوامل در شهر ورامین به‌خوبی گستره فقر را در این شهر نمایش داده است (جدول ۵). بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی، ۳/۴ درصد از بلوک‌های شهری ورامین در زمره طبقه بسیار ثروتمند قرار گرفته‌اند. همچنین، سهم طبقه ثروتمند ۱۹/۳ درصد است. طبقه متوسط نیز سهمی جالب توجه را به خود اختصاص

جدول ۵- سطح‌بندی بلوک‌های شهر ورامین از منظر عامل تلفیقی

بسیار ثروتمند		ثروتمند		متوسط		فقیر		بسیار فقیر	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۴۶	۳/۴	۲۶۴	۱۹/۳	۴۶۶	۳۴/۱	۳۹۴	۲۸/۸	۱۴۳	۱۹/۶

منبع: یافته‌های پژوهش

ورامین به پدیده‌ای جدی تبدیل شده است و درصد بالایی از بلوک‌های شهر ورامین دچار فقر هستند؛ چنانچه از ۱۳۶۶ بلوک شهری تعداد ۵۹۰ بلوک دچار فقر شده‌اند. این شکاف به علت دسترسی ناهمسان محله‌ها و بلوک‌های شهر ورامین به خدمات، امکانات رفاهی و زیرساختی است. عوامل متعدد از جمله بی‌عدالتی و نابرابری‌های درآمدی ساختارنیافته به فقر شهری ورامین کمک کرده‌اند. تله‌های فقر نیز بر مشکلات این شهر افزوده‌اند؛ زیرا نابرابری درآمد توزیع غیراخلاقی منابع و کمبود منابع را افزایش می‌دهد، نرخ فقر را تشدید و مشکلات مختلف اجتماعی را تشدید می‌کند. در مجموع، عوامل زیادی در فقر شهری ورامین نقش دارند. عامل نخست مهاجرت‌های روستا - شهری است. بسیاری از فقرای شهری ساکن در محله‌های فقیرنشین ورامین از مهاجران روستایی هستند که در

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بیانگر آن است که شهر ورامین دچار نوعی شکاف اجتماعی - اقتصادی و کالبدی عمیقی شده است. در واقع، نابرابری درآمد باعث جدایی اجتماعی و دوقطبی شدن در محله‌های شهری ورامین شده است. به بیان بهتر، وجود محله‌های زاغه‌نشین و فقیرنشین در پیرامون شهر ورامین به‌وضوح نوعی دوگانگی فضایی و اجتماعی را در این شهر پدید آورده است. در واقع، فضای کالبدی این محله‌ها بر فضای اجتماعی نیز تأثیر گذاشته است. به بیان بهتر، در محله‌های فقیرنشین ورامین، افراد به صورت فیزیکی اجتماع پیدا می‌کنند و با هم ارتباط و تعامل نزدیکی دارند؛ در نتیجه، این امر شهر را به سمت جدایی‌گزینی اجتماعی و فضایی نیز سوق می‌دهد. همان‌طور که نتیجه پژوهش حاضر نشان می‌دهد، فقر در شهر

جست‌وجوی فرصت‌های بهتر به این محله‌ها مهاجرت کرده‌اند. در واقع، مهاجرت روستایی به شهرها، عمدتاً توسط فقرا، انجام می‌شود که این موضوع جمعیت فقر شهری و نرخ فقر را افزایش می‌دهد؛ زیرا بیشتر مهاجران، به علت عدم پشتوانه مالی و مهارتی - تخصصی، قادر به اشتغال در شغل‌های با درآمد زیاد نیستند و در نتیجه، جذب بازار اشتغال غیررسمی نظیر کارگر روزمزد، رانندگی و دست‌فروشی می‌شوند. عامل دوم نابرابری اقتصادی است. محله‌های فقیرنشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی پایدارترین مظهر فضایی فقر و نابرابری هستند. ساکنان محله‌های فقیرنشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر ورامین سطوحی مختلف از محرومیت را تجربه می‌کنند. ساکنان محله‌های فقیرنشین شهر ورامین فاقد دسترسی به زیرساخت‌های اولیه و تأسیسات بهداشتی، امکانات ویژه کودکان، زنان و سالمندان، فضاها و زندگی کافی و شرایط مسکن امن هستند. نابرابری شهری نیز مانند فقر دارای جلوه‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی است. نابرابری شهری با دسترسی متفاوت به درآمد و ثروت، خدمات شهری و زیرساخت‌ها، فناوری، بهداشت عمومی، امنیت اجتماعی و آموزش مشخص می‌شود. عامل سوم فقدان برنامه چشم‌انداز است. فقر شهری با رشد سریع جمعیت در پیرامون شهر ورامین تشدید می‌شود؛ اما فقدان برنامه‌ریزی مناسب برای مدیریت این جمعیت عظیم و تبدیل آن‌ها به منابع انسانی باعث فقر شهری ورامین می‌شود. فقدان برنامه‌های مناسب دولتی و منطقه‌ای به افزایش فقر شهری ورامین کمک شایان توجهی کرده است؛ زیرا برنامه اجرایی هدفمندی برای سامان‌دهی و توانمندسازی محله‌های فقیرنشین شهر ورامین وجود ندارد. عامل چهارم فقدان تحصیلات و مهارت در میان ساکنان محله‌های فقیرنشین شهر ورامین است. ساکنان محله‌های فقیرنشین شهر ورامین معمولاً دارای سوابق تحصیلی محدود و فرصت‌های آموزشی یا توسعه مهارت کمی هستند. این فقدان تخصص آن‌ها را از مشارکت مؤثر در مشاغل خاص بازمی‌دارد. افزون بر این، ساکنان محله‌های فقیرنشین شهر ورامین فاقد مهارت‌های فنی و اولیه زندگی هستند و همین امر ایجاد اشتغال رسمی و ایجاد نوآوری در حرفه خود را دشوار می‌کند. بسیاری از آن‌ها به مشاغل فصلی متکی هستند و در بسیاری از فصل‌های سال بیکار می‌شوند. تعداد بیشتری از افراد فقیر درگیر انواع کارهای مشابه هستند و فاقد منابع مالی و انگیزه برای راه‌اندازی مشاغل کوچک هستند. به بیان بهتر، افراد فقیر شهر ورامین به دلیل

کمبود منابع مالی، تخصص فنی و تجربه تجاری، قادر به راه‌اندازی مشاغل کوچک نیستند. عامل پنجم هزینه‌های بالای زندگی است. به دلیل هزینه‌های زیاد مسکن و حمل‌ونقل، بسیاری از مردم مجبور به ترک مشاغل راه دور هستند و قادر به پرداخت هزینه رفت‌وآمد یا هزینه‌های زندگی نیستند. هزینه‌های زیاد زندگی و اجاره مسکن موانع اساسی برای پیشرفت اقتصادی هستند. هزینه‌های مسکن و حمل‌ونقل بیشتر درآمد ساکنان محله‌های فقیرنشین ورامین را مصرف و به فقر مداوم آن‌ها کمک می‌کنند. افزون بر این، افراد فقیر شهری باید تمام مواد غذایی خود را از بازار خریداری کنند که هزینه زیادی دارد. در سال‌های اخیر، تورم زیاد نیز زندگی آن‌ها را بدتر کرده است؛ در نتیجه، در تله فقر گرفتار آمده‌اند. افزون بر این، نتایج پژوهش حاضر با نظریه‌های قطبش اجتماعی و طرد اجتماعی مطابقت دارد؛ با این تفاوت که پژوهش حاضر نابرابری و قطبش اجتماعی را به صورت بصری در گستره‌های فضایی فقر شهری ورامین نشان داده است. این شکاف محصول فرآیندهای اجتماعی-اقتصادی است که به ایجاد جامعه‌ای منجر شده است که در آن، ثروتمند ثروتمندتر می‌شود، فقیر فقیرتر می‌شود و طبقه متوسط رو به زوال و کاهش روزافزون حرکت می‌کند. در حقیقت، کارهای حرفه‌ای با دستمزد زیاد توسط حجمی عظیم از شغل‌های خدماتی سطح پایین حمایت می‌شوند که معمولاً توسط مهاجران انجام می‌شوند. این موضوع در طولانی‌مدت به افزایش روزافزون بیکاری منتهی می‌شود؛ بنابراین، قطبش اجتماعی محصول مستقیم بازساخت اقتصادی است. نتیجه آنکه، فقر شهری پدیده‌ای نه تک‌بعدی بلکه چندبعدی است که محصول نظام سیاسی - اقتصاد سرمایه‌داری مبتنی بر رانت است. شهر ورامین وارد دوره‌ای از حیات خود شده است که به سمت قطبش اجتماعی روزافزون حرکت می‌کند؛ به این معنا که شکنندگی طبقه متوسط شهر ورامین عیان و آشکار شده است و طبقه‌ای به نام طبقه مادون شکل گرفته است که به تعبیر ارسطو در رساله سیاست، طبقه متوسط صدهای دو طبقه افراطی، یعنی ثروتمندان و فقرا، را متعادل می‌کند و همین‌طور به گفته مارکس، طبقه متوسط ثبات‌بخش و تعادل‌بخش پرولتاریا^{viii} و بورژوازی^{ix} است و به گفته کاستلز، ایجادکننده یک شهر ساعت شیشه‌ای است که در آن، فقیر فقیرتر و ثروتمند را ثروتمندتر می‌شود و طبقه متوسط رو به زوال و کاهش روزافزون حرکت می‌کند. پیرایش این طبقه مادون محصول اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری نیمه‌پیرامونی رانتی

- Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics*, 95(7-8), 476-487. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.11.006%20Get%20rights%20and%20content>
- Alkire, S., & Kumar R. (2012). *Comparing Multidimensional Poverty and Consumption Poverty Based on Primary Survey in India*. Presented in OPHI workshop, 21-22 Nov. 2012.
- Alkire, S., & Seth, S. (2008). Measuring multidimensional poverty in India: A new proposal. *OPHI Working Paper, 15*, Oxford Poverty and Human Development Initiative (OPHI), University of Oxford.
- Bhatta, B. (2009). Modelling of Urban Growth Boundary Using Geoinformatics. *International Journal of Digital Earth*, 2(4), 359-381. <https://doi.org/10.1080/17538940902971383>
- Ezeh, A., Oyinlola, O., Satterthwaite, D., Chen, Y., Ndugwa, R., Sartori, J., ..., & Lilford, P. R. J. (2017). The History, Geography, and Sociology of Slums and the Health Problems of People Who Live in Slums. *The Lancet*, 389(2017), 547-58. [https://doi.org/10.1016/s0140-6736\(16\)31650-6](https://doi.org/10.1016/s0140-6736(16)31650-6)
- Foster, J., & Sen, A. (1997). After a Quarter Century. In A. Sen (Ed.), *On economic inequality*. Oxford: Clarendon Press.
- Friesen, J., Victoria, F., Dietrich, I., & Peter F. P. (2020). Slums, Space, and State of Health—A Link between Settlement Morphology and Health Data. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(6), 2022. <https://doi.org/10.3390/ijerph17062022>
- Hanchett, S., Akther, S., & Khan, M. H. (2003). Water, sanitation and hygiene in Bangladeshi slums: An evaluation of the WaterAid – Bangladesh urban program. *Environment & Urbanization*, 15(2), 43-56. <https://doi.org/10.1177/095624780301500219>
- Jagadeshwaran, P., Ashok, K. R., Vidhyavathi, A., Nirmala Devi, M., & Patil Santosh, G. (2022). Multidimensional Poverty in India – a State Wise Analysis. *Asian Journal of Agricultural Extension, Economics & Sociology*, 40 (10), 869-77. <https://doi.org/10.9734/ajaees/2022/v40i1031153>
- Jolliffe, D. (2001). Measuring absolute and relative poverty: The sensitivity of estimated household consumption to survey design. *Journal of Economic and Social Measurement*, 27(1-2), 1-23. <https://doi.org/10.3233/JEM-2003-0192>
- Khan, A. U., Saboor, A., Hussain, A., Karim, S. & Hussain, S. (2015). Spatial and Temporal Investigation of Multidimensional Poverty in Rural Pakistan. *Poverty and Public Policy*, 7(2), 158-175. <https://doi.org/10.1002/pop4.99>
- Loury, G. C. (2000). *Social Exclusion and Ethnic*

است که به پیرایش فضاهای دوگانه و تولید فقر و بازتولید فقر در فضاهای اجتماعی در سطح شهر ورامین منجر شده است. بر همین مبنا، راهکارهای اجرایی در بُعد کالبدی به ویژه برای دستگاه‌های اجرایی شهر ورامین عبارت‌اند از: تشکیل بانک داده دهک‌های درآمدی در پهنه‌های فضایی فقر شهری در ورامین؛ تحقق کاربری‌های خدماتی طرح تفصیلی شهر ورامین از جمله کاربری فضای سبز، ورزشی، تفریحی، فرهنگی، آموزشی و غیره در پهنه‌های فقیرنشین؛ تدوین بسته‌های فرهنگی در برنامه راهبردی پنج‌ساله شهرداری ورامین؛ با عنایت به اینکه درصد زیادی از گستره‌های فقیرنشین شهر ورامین منطبق بر بافت‌های ناکارآمد شهری هستند، ضرورت دارد تا دستگاه‌های اجرایی از جمله شهرداری نسبت به تعریف پروژه‌های محرک توسعه برای رونق اقتصادی و بازآفرینی این پهنه‌ها مبادرت کنند؛ تدوین برنامه اقدام مشترک دستگاه‌های اجرایی شهر ورامین از جمله اداره راه و شهرسازی، اداره آموزش و پرورش، سازمان ارشاد و فرهنگ اسلامی، شهرداری ورامین و غیره در رابطه با مشارکت مالی در تعریف پروژه‌ها در پهنه‌های فقیرنشین؛ ایجاد دفاتر تسهیل‌گری در گستره‌های فضایی فقیر شهر ورامین به عنوان حلقه واسط بین مدیریت شهری و شهروندان.

بر این اساس، ضرورت انجام پژوهش‌هایی برای آینده مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: تبیین علل شکل‌گیری طبقه مادون در فضاهای پیراکلان شهری؛ تبیین ناهم‌خوانی فضایی در فضاهای پیراکلان شهری؛ سنجش جدایی‌گزینی فضایی در مدیریت بصری شهر ورامین؛ سنجش طرد اجتماعی در شهر ورامین؛ سنجش و تحلیل قطبش اجتماعی در شهر ورامین؛ سنجش تمرکز فضایی فقر و ارتباط آن با جدایی‌گزینی فضایی در فضاهای پیراکلان شهری.

منابع

- AbdullahKaiser, Z. R. M., Sakil, A. H., & Akter, F. (2024). Urban Poverty Causes, Current Trends, Consequences, and Pathways to Sustainable Solutions. In *The Palgrave Handbook of Global Social Problems* (pp.1-17). Publisher: Springer Nature. https://doi.org/10.1007/978-3-030-68127-2_310-1
- Abdul-Mumin, A., & Shamschiry, E. (2014). *Linking Sustainable Livelihoods to Natural Resources and Governance: The Scale of Poverty in the Muslim World*. Singapore, Springer. <https://doi.org/10.1007/978-981-287-053-7>

- Human Development Initiative (OPHI), University of Oxford.
- Thomson, D. R., Kuffer, M., Boo, G., Hati, B., Grippa, T., Eley, ..., & Kabaria, C. (2020). Need for an integrated deprived area “slum” mapping system (IDEAMAPS) in low-and middle-income countries (LMICS). *Social Sciences*, 9(5), 80. <https://doi.org/10.3390/SOCSCI9050080>
- Tripathi, S., & Yenneti, K. (2020). Measurement of Multidimensional Poverty in India: A State-level Analysis. *Indian Journal of Human Development*, 14(2), 257–274. <https://doi.org/10.1177%2F0973703020944763>
- UNDP. (2010). *The millennium development goals report 2010*. United Nations, retrieved on March 13, 2022 from <https://www.un.org/millenniumgoals/pdf/MDG%20Report%202010%20En%20r15%20-low%20res%2020100615%20-.pdf>
- United Nations. (2015). *The Millennium Development Goals Report 2015*. New York: United Nations.
- United Nations. (2019). *World urbanization prospects: The 2018 revision*. World urbanization prospects: The 2018 revision. <https://doi.org/10.18356/b9e995fe-en>
- UN-Habitat. (2016). *Urbanization and Development Emerging Futures: World Cities Report*. Kenya: Nairobi.
- United Nations Human Settlements Program (UN-Habitat). (2022). *World Cities Report 2022: Envisaging the Future of Cities*. Nairobi: Kenya.
- Wang, X., Feng, H., Xia, Q., and Alkire, S. (2016). On the relationship between Income Poverty and Multidimensional Poverty in China. *OPHI Working Paper, 101*, Oxford Poverty and Human Development Initiative (OPHI), University of Oxford.
- Wu, Y., & Qi, D. (2017). A gender-based analysis of multidimensional poverty in China. *Asian Journal of Women's Studies*, 23(1), 66-88. <https://doi.org/10.1080/12259276.2017.1279886>
- Yu, J. (2013). Multidimensional poverty in China: findings based on the CHNS. *Social Indicators Research*, 112(2), 315-336. <https://doi.org/10.1007/s11205-013-0250-x>
- Zahra, K., Ashraf, A., Zafar, T., & Yaseen, B. M. (2018). Marginality and social exclusion in Punjab, Pakistan: A threat to urban sustainability. *Sustainable Cities and Society*, 37(November 2017), 203–212. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.11.009>
- Zhang, X. Q. (2016). The trends, promises and challenges of urbanization in the world. *Habitat International*, 54(2016), 241–252. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2015.11.018>
- Groups: The Challenge to Economic*. Forthcoming in The Annual World Bank Conference on Development Economics.
- Mahabir, R., Agouris, P., Stefanidis, A., Croitoru, A., & Crooks, A. T. (2020). Detecting and mapping slums using open data: A case study in Kenya. *International Journal of Digital Earth*, 13(6), 683–707. <https://doi.org/10.1080/17538947.2018.1554010>
- Martínez, M., & Javier, A. (2007). *Monitoring intra-urban inequalities with GIS-based indicators with a case study in Rosario*, Argentina. PhD Thesis, Faculty of Geosciences, Utrecht University.
- Mehta, A. K. (2003). Multidimensional Poverty in India: District Level Estimates. *SSRN Electronic Journal*, 1(2003), 339-359. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1756883>
- Mothkoo, V., & Badgaiyn, N. (2021). Estimates of multidimensional poverty for India using NSSO-71 and -75. *WIDER Working Paper, 2021/1*, UNU-WIDER 2021. <https://doi.org/10.35188/UNU-WIDER/2021/935-8>
- Nelson, J. M. (1979). *Access to power*. Politics and the Urban Poor in Developing Countries.
- Owusu, M., Kuffer, M., Belgiu, M., Grippa, T., Lennert, M., Georganos, S., & Vanhuyse, S. (2021). Towards user-driven earth observation-based slum mapping. *Computers, Environment and Urban Systems*, 89(October 2020), Article 101681. <https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2021.101681>
- Qazi Kholiqzaman, A. (2002). *Tackling Social Exclusion: South Asia*.
- Roser, M., & Ortiz-Ospina, E. (2017). *Global Extreme Poverty*. Accessed 15 June 2019. [\(open in a new window\)](https://ourworldindata.org/extreme-poverty/(open-in-a-new-window))
- Satterthwaite, D. (1995). The under-estimation and misrepresentation of urban poverty. *Environment and Urbanization*, 7(1), 3–10. <https://doi.org/10.1177/095624789500700108>
- Sen, A. (1980). Equality of What?, In S. McMurrin (Ed.), *The Tanner Lectures on Human Values*. Salt Lake City, UT: University of Utah Press.
- Sen, A. (2000). *Social Exclusion: Concept, Application, and Scrutiny*, Social Development. *Papers, 1*, Office of Environment and Social Development Asian Development Bank.
- Singh, J., & Singh, M. (2024). Alleviating urban poverty in India: the role of capabilities and entrepreneurship development. *International Journal of Social Economics*, 51(10), 1314-1335. <https://doi.org/10.1108/IJSE-07-2023-0514>
- Suppa, N. (2016). Comparing monetary and multidimensional poverty in Germany. *OPHI Working Paper, 103*, Oxford Poverty and

ⁱ Oscar Lewis

-
- ii René Lenoir
iii Relational and distributional aspects
iv Manuel Castells
v Saskia Sassen
vi Hudson
vii Pockets of deprivation
viii Proletariat
ix Bourgeoisie